

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد / بدین بوم و برزنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم / از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

برگردان از: حمید محوی

۲۸ مارچ ۲۰۱۵

نظم نوین جهانی دانیل پاییز، کارشناس نفرت

کارشناس اجتناب ناپذیر امریکائی در صحنه های تلویزیون و برگ های نشر عقاید در روزنامه های بزرگ، دانیل پاییز Daniel Pipes پیش از همه به عنوان نظریه پرداز جهانی [اسلام هراسی islamophobia] به شهرت رسیده است. فرزند ریچارد پاییز Richard Pipes، شوروی شناسی که مشوق رقابت نظامی در دوران فورد رئیس جمهور امریکا بود، و فرزند معنوی رابرت استروز هوپه Robert Strausz-Hupé، پیشگوی نظم نوین جهانی و گرداننده تعداد بی شماری مؤسسه ستراتیژیک بود. مفاهیم رایجی مانند «ضد سامی نوین»، «مبارز اسلام» و «توطئه باوری» را مدیون او هستیم. طرفدار پایمال کردن فلسطینی ها، و جرج بوش نیز او را به عنوان مدیر مؤسسه ایالات متحده برای صلح برگزید.

شبکه بین المللی ولتر/پاریس (فرانسه) ۵ مه ۲۰۰۴



بین ۱۱ سپتمبر ۲۰۰۱ و ۱۱ سپتمبر ۲۰۰۲، دانیل پاییز به عنوان یکی از مفسرین اصلی مبحث تروریسم و اسلام در ایالات متحده مطرح گردید. روزنامه امریکائی «نیشن» (The Nation) طی مقاله ای که به معرفی پر سر و صدای او اختصاص داده بود (۱)، آماری از حضور او در رسانه ها منتشر کرد: دانیل پاییز در این بازه زمانی در ۱۱۰ برنامه تلویزیونی و ۴۵۰ برنامه رادیویی شرکت داشته است، و نوشته های او با استقبال گرمی در وال استریت ژورنال و لوس آنجلس تایمز منتشر شد، و نیویورک تایمز او را به عنوان یکی از وقایع نگاران دائمی استخدام کرد.

سلسله پاییز

این افتخار ناگهانی دانیل پاییز در فضای رسانه ئی به هیچ عنوان امر اتفاقی نبوده، بلکه حاصل استعداد شخصی، آموزش دراز مدت و پدرخواندگان گرانقدر او بوده است. او نقش مهمی در ستراتیژی سیاسی محافظه کاران نوین (نئو کنسرواتور) در رأس قدرت واشنگتن و تل آویو بازی کرد.

برای درک این سیر تحولی، باید به سی سال پیش بازگردیم. برای پایان دادن به بحران و اترگیت و منازعات شخصی که در پی آن ادامه یافت، رئیس جمهور جerald فورد بین جریان های گوناگون جمهوری خواهی که از او پشتیبانی می کردند دست به پاکسازی زد. در ۳ نوامبر ۱۹۷۵، وزیر دفاع جیمز شلسینگر James Schlessinger و تعدادی از همکاران را برکنار کرد. این رویداد با نام «کشتار هالووین» شهرت یافت. سپس گروه محدودی را پیرامون خود حفظ کرد که مشخصاً از همان افرادی تشکیل شده بود که در سال ۲۰۰۱ به قدرت بازگشتند: این افراد دیک چنی دبیر کل کاخ سفید، دونالد رامسفلد وزیر دفاع، و جرج بوش (پدر) رئیس سازمان سیا بودند (۲). انجمن های هوادار برای اخطار به افکار عمومی در مورد دست سازمان سیا که گویا خطر سرخ را دست کم گرفته است، اردوی تبلیغاتی راه اندازی کردند. رئیس جمهور فورد به گونه ای واکنش نشان داد که گوئی در مقابل فشارها تسلیم شده و فرمان صادر کرد که کمیته ای مستقل برای بررسی تهدیدات شوروی تشکیل گردد و در اینجا می بینیم که مسؤلیت این کار به استاد دانشگاه هاروارد ریچارد پاییز واگذار می شود. ریچارد پاییز نیز هیأت کارشناسی که به نام «تیم ب» شهرت دارد را تشکیل داد. در این تیم ب پر شورترین طرفداران جنگ سرد مستقر شدند، از جمله ژنرال لیمن لمنیتزر Lyman Lemnitzer (3) و پل ولفوویتز Paul Wolfowitz. براین اساس بود که پرونده پاییز در «کامنتری» (Commentary) مجله انجمن یهودی منتشر شد که ابروینگ کریستول Irving Kristol بنیانگذار آن می باشد. انتشار همین پرونده بود که دولت فورد مسابقه تسلیحاتی را راه اندازی کرد.

ریچارد پاییز پسر ارشدی داشت: دانیل. دانیل تحصیلاتش را روی تاریخ قرون وسطی و اسلام در دانشگاه هاروارد گذراند و در دانشگاه با تظاهرات چپ گرایان علیه جنگ ویتنام مخالفت می کرد. در سال ۱۹۸۱ دانیل پاییز کتاب «سربازان برده و اسلام» *Slave Soldiers and Islam* را منتشر کرد، کتابی قویاً دانشگاهی و مستند که هیچ یک از اعتقادات سیاسی اش را منعکس نمی سازد. این کتاب پیش از انقلاب اسلامی ایران که در سال ۱۹۷۹ به وقوع پیوست نوشته شده است. این رویداد در ایران موجب شد که اعتقادات تحلیلگر نیز تحریک شود. در سال ۱۹۸۲ در حالی که پدرش ریچارد به دولت ریگان پیوسته بود، دانیل پاییز نیز به گروه اطلاعاتی و دیدبانی وزارت کشور می پیوندد. او برای نوشتن دومین کتاب خود خیلی وقت صرف کرد «در راه خدا» *In the Path of God* در سال ۱۹۸۳ منتشر شد، که گواه بر نگرانی های او در رویارویی با بالا آمدن اصول گرایان اسلامی در دوازده کشور است. پدیده ای که به باور او در پیوند تنگاتنگ با درآمدهای نفتی کشورهای عربی از دوران جنگ کیپور قابل بررسی می باشد (۶ اکتوبر تا ۲۴ اکتبر ۱۹۷۳).

دانیل پاییز روشنفکر متعهد

پس از این که وزارت کشور را در سال ۱۹۸۳ ترک کرد، دانیل پاییز در چندین دانشگاه به کار تدریس پرداخت که اکادمی نظامی نیروی دریایی (United States Naval War College) یکی از این دانشگاه ها بود، ولی در فضای اکادمیک منزوی باقی ماند. دیگر کتاب دانشگاهی منتشر نمی کند و مقاله نویسی پیرامون موضوعات مختلف را ترجیح می دهد: موضوعاتی مانند تروریسم، اسرائیل، ماجرای سلمان رشدی و غیره را در «کامنتری» منتشر می کند (۴). انتخاب های او البته همیشه خیلی موفقیت آمیز نبوده اند: به عنوان مثال، او کتاب «دوران های از یاد رفته» (From Time Immemorial) که درباره استعمار صهیونیسم در فلسطین توسط ژوان پیترز Joan Peters نوشته شده را مورد ستایش قرار می دهد. البته این کتاب توسط وقایع نگاران معتبر مورد تحلیل و بررسی قرار گرفته و اشتباهات عینی و دزدی های ادبی آن آشکار گردیده است.

توجه دانیل پاییز به تدریج روی موضوع اسرائیل متمرکز شده و برای او به موضوع اصلی تبدیل می شود. پس از انتقاد از رسانه ها در رابطه با جنگ لبنان که از دیدگاه او موجب خدشه دار شدن چهره اسرائیل شده بود، در سال ۱۹۸۸ در یکی از ستون های نیویورک تایمز نظریه ایجاد دولت فلسطینی را مردود می داند و آن را برای فلسطینی ها «کابوس» می داند: زیرا به باور او چنین راه حلی «پیش از اسرائیلی ها برای خود فلسطینی ها پیامدهای بدتری خواهد داشت» زیرا فلسطینی ها مجبور خواهند بود زیر سیطره سازمان آزادیبخش فلسطین به فرماندهی یاسر عرفات زندگی کنند.

با این وجود نمی توانیم دانیل پاییز را به عنوان پشتیبان بی قید و شرط دولت اسرائیل معرفی کنیم. زیرا برای او پیش می آید که دولت اسرائیل را نیز به باد انتقاد بگیرد. به عنوان مثال، او بخاطر کوتاهی در سرکوب مردم فلسطین، دولت اسرائیل را سرزنش می کند. به گفته او، به نفع فلسطینی ها خواهد بود که سرکوب شوند، و هم زمان دانشگاهیانی مانند رشید خالدی را به خاطر تشویق خشونت مورد انتقاد قرار می دهد. به گفته یوان کول Juan Cole استاد دانشگاه میشیگان «یکی از مواردی که دانیل پاییز می خواهد مطرح کند پشتیبانی از تروریسم است و در نمی یابد که چرا ما با نظریه او مخالف هستیم، زیرا ما همه فلسطینی ها را تروریست نمی دانیم».

در اواسط سال های ۸۰، پاییز در فیلادلفی مستقر می شود و مدیریت مؤسسه تحقیقاتی در امور سیاست خارجی (Foreign Policy Research Institute - FPRI) را در دانشگاه پنسیلوانی به عهده می گیرد، یعنی کارگاهی که توسط جغرافیای سیاسی شناس رابرت استروس هوپه ایجاد شده بود و به مرجع فکری او تبدیل می شود. این مؤسسه در سال ۱۹۵۵ ایجاد شد و از سال ۱۹۵۷ مجله Orbis را منتشر کرد.



Robert Strausz-Hupé

نخستین شماره حاوی مانیفست استروس هوپه است: توازن فردا (۵). در این شماره می توانیم بخوانیم که: «شکل گیری نظم جهانی که در شرف تکوین است آیا از امپراتوری جهانی امریکا منشأ می گیرد؟ باید چنین باشد به این شرط که نشان روح امریکائی بر آن نقش بسته باشد. نظم آینده آخرین مرحله انتقال تاریخی را رقم خواهد زد و دوران انقلابی این قرن را به پایان خواهد رساند. مأموریت مردم امریکا عبارت است از به خاک سپردن دولت- ملت ها، هدایت مردم سوگوار به سوی اتحادیه های وسیعتر و به کار بستن قدرت برای بازداشتن تهدیدات مخرب علیه نظم نوین جهانی، یعنی بازداشتن آنهایی که برای بشریت هیچ حرف تازه و امیدوار کننده ای به جز ایدئولوژی های منجمد و اعمال زور خشونت آمیز ندارند... برای پنجاه سالی که در پیش است آینده به امریکا تعلق دارد. امپراتوری امریکا و بشریت مخالف نخواهد بود، ولی دو نام برای یک نظم جهانی به نام صلح و خوشبختی. Novus orbis terranum (نظم نوین جهانی)».

این مانیفست بعداً توسط دانیل پاییز مجدداً منتشر می شود.

از سال ۱۹۸۶ تا ۱۹۹۳ دانیل پاییز سر دبیر روزنامه Orbis است. در این روزنامه مقالاتی به پشتیبانی از عراق علیه ایران منتشر می کند، مانند «آلترناتیو بغداد» نوشته لوری میلروی Laurie Mylroie (6). با همین زن جوان مقاله مشترکی را با همین مضمون در نیو ریپبلیک The New Republic (۷) منتشر می کند.

در سال ۱۹۹۰، دانیل پاییز مقاله ای زیر عنوان «مسلمانان آمدند! مسلمانان آمدند!» در National Review منتشر کرد که انباشته از دیدگاه های نگران کننده و هشدار دهنده او درباره آمدن مسلمانان بود. در این مقاله نوشته است: «جوامع اروپای غربی به اندازه کافی در مقابله با مهاجرت وسیع مردمانی که پوست مات دارند و غذاهای عجیب و غریب می پزند و اصول بهداشتی المانی را نیز به دقت رعایت نمی کنند آمادگی ندارند» (۸).

در این دوران، کتاب ها و مقالات او متأثر از موضع گیری بسیار سختی است که علیه کشورهای عرب مانند سوریه و ایران (مترجم: فرانسوی ها غالباً ایران را کشوری عربی تصور می کنند) یا حتی عربستان سعودی ابراز می دارد، گرچه این آخری در اتحاد با واشنگتن می باشد. و پیش از همه در مورد «مسلمانان امریکائی» هشدار می دهد که امنیت ایالات متحده را دچار مخاطره خواهند کرد. در مقاله ای که در «کامنتری» منتشر می کند، علیه سازمان های مسلمان امریکائی که خود را قربانی تبعیض می دانستند اعتراض می کند (۹).

منطقی که به کار می برد از حد عادی تجاوز می کند: در هماهنگی با دوستش استیون امرسون Steven Emerson که در عین حال کارشناس امور تروریستی است، در USA Today اعلام می کند که سوء قصد اوکلاهما سیتی در سال ۱۹۹۵ نشان می دهد که غرب مورد حمله قرار گرفته و اصول گرایان «ما را هدف گرفته اند».

در سال ۱۹۹۰ دانیل پاییز برای «ارتقاء منافع امریکا» در منطقه بخش FPRI اتاق فکری خاور میانه را بنیانگذاری کرد (Middle East Forum - MEF). این اتاق فکری در سال ۱۹۹۴ به یک انجمن مستقل تبدیل می گردد و Middle East Quarterly را منتشر می کند، و به همین گونه از سال ۱۹۹۹ Middle East Intelligence Bulletin (10).

در سال ۱۹۹۷، دانیل پاییز پیرامون بانکدار زیاد عبدالنور Ziad K. Abdelnour کارشناس اتاق فکری خاور میانه در ایجاد کمیته امریکائی برای لبنان آزاد شرکت داشت (US Committee for a Free Lebanon - USCFL). دانیل پاییز و کارشناسان اتاق فکری خاورمیانه و کمیته امریکائی برای لبنان آزاد فعالانه در کارهای مرتبط به مؤسسه واشنگتن برای سیاست در امور خاورمیانه (Washington Institute for Near East Policy - WINEP) شرکت می کنند. یعنی جایی که شاهین هائی که در صحنه بیشتر از همه دیده می شدند و گل سر سبد لیکود (۱۱).



دانیل پاییز به عنوان شکارچی «ستون پنجم» در دانشگاه ایالات متحده شهرت یافت. در سال ۲۰۰۲ او بخش اتاق فکری خاورمیانه را ایجاد کرد، دیدبان دانشگاه (Campus Watch)، «سازمانی که هدف اعلام شده اش بررسی اشتباهات تحلیلی و پیچیدگی های سیاسی در زمینه بررسی های خاورمیانه بود». روزنامه The Nation می نویسد که

نخستین اقدام این سازمان گزارش به «مک کارتی McCarthy» در مورد استنادی بود که به اندازه کافی طرفدار اسرائیل نبوده اند.

در واکنش به ستون پنجم دانشگاهی، بیش از صد دانشگاه با دیدبان دانشگاهی (Campus Watch) تماس گرفتند و درخواست کردند نامشان در فهرست ثبت شود. چنین واکنشی موجب تحریک دانیل پاییز شد و آن را به مثابه «مدیحه سرائی سوء قصد انتحاری و اسلام مبارز» تعریف کرد. او اصطلاحات دیگری نیز برای این گروه معترض به کار برد: «نفرت از خویشتن» یا «ضد امریکائی». در مقاله ای زیر عنوان «دانشگاهیان امریکائی که از امریکا متنفرند»، او در این نوشته تمام آنهایی را که مانند نوآم چامسکی مداخله امریکا در عراق را افشاء می کردند به تمسخر گرفت و مدعی شد که «تهدید مستقیم» صدام حسین علیه ایالات متحده را نفی می کنند.

برای متقاعد ساختن افکار عمومی در مورد ناآگاهی دانشگاهیان و دانشجویان در رابطه با تهدید اسلامگرایان، از پشتیبانی مارتین کرامر Martin Kramer سر دبیر کنونی خاور میانه فصلی، و استانی کورتز Stanley Kurtz عضو هورور مؤسسه و همکار روزنامه National Review Online برخوردار شد. به گزارش The Nation نظریات او در رسانه ها بازتاب استثنائی داشته است. واشنگتن پست صفحه نخست خود را به او اختصاص داده، و بحث و گفت و گو تا کنگره نیز تدام یافته است: در نتیجه طرحی را تدارک می بینند که می بایستی کمیته مشاورتی ایجاد کند که اعضای آن از سوی دولت تعیین خواهد شد تا روی برنامه های مرتبط به بررسی امور مالی با بودجه های فدرال نظارت کنند و سالانه مسائل خاورمیانه را به هزاران دانشجوی آموزش دهند. همان گونه که استانی کورتز در مجلس نمایندگان کنگره در جون ۲۰۰۳ توضیح داده است، از این پس برنامه باید «تمام دیدگاه ها را معرفی کند» و نه «تنها انتقادات سیاسی در مورد سیاست امور خارجه امریکا» (۱۲).

اخیراً روزنامه یهودی The Forward در جدول بندی خود دانیل پاییز را بین ۵۰ نفر از پر نفوذترین یهودی های ایالات متحده به ثبت رسانده است (۱۳).

گزینش او توسط رئیس جمهور جرج بوش در مؤسسه ایالات متحده برای صلح (US Institute of Peace - USIP) جامعه مسلمان را در بهت و حیرت فرو برد، و به ویژه Muslim Public Affairs Council. این اتاق فکری با بودجه های فدرال تأمین مالی می شود و در واقع هدفش ارتقاء «راه حل صلح آمیز در منازعات بین المللی» است. یعنی بینشی که از تفکرات دانیل پاییز خیلی فاصله دارد: پاییز در فیروری ۲۰۰۲ می نویسد که «دیپلماسی به ندرت به منازعات خاتمه می دهد» (۱۴). به محض این که وارد مؤسسه ایالات متحده برای صلح شد، فوراً پاکسازی فهرست همکاران را در دستور روز خود قرار داد. بر این اساس او مرکز مطالعات اسلامی و دموکراسی را حذف کرد، از دیدگاه او این گروه طرفداران تروریسم بوده که وارد مؤسسات معتبر دولتی شده است (۱۵). او در سال ۲۰۰۵ مؤسسه ایالات متحده برای صلح را ترک کرد.

متفکر اسلام هراسی

دانیل پاییز مبتکر چندین اصطلاح است که در مباحث رسمی رایج شده است. اصطلاح «ضد سامی نوین» (۱۶) نخستین ابتکار پاییز می باشد. این اصطلاح ابتداء معرف برخورد گروه های فشار مسلمانان در ایالات متحده علیه گروه های فشار یهودی های ایالات متحده پیرامون مسأله فلسطین است. این اصطلاح از مخلوط کردن مفهوم ضد صهیونیستی و ضد سامی به موفقیت های چشمگیری دست یافت. او در عین حال اصطلاح «مبارز اسلام» (۱۷) را رایج ساخت. این اصطلاح معرف مسلمانی است که تنها به دعای خانگی بسنده نکرده و در چهار چوب سازمان های اجتماعی از حقوق فلسطینی ها علیه اسرائیل به پشتیبانی ایالات متحده دفاع می کنند. بر این اساس در معرفی هویت

مسلمانان مفاهیم مغلطه آمیزی را تزریق می کند، به این معنا که هویت مسلمان با مبارزه علیه دولت اسرائیل و اعتراض به سیاست واشنگتن مخلوط می شود. در نتیجه فرد مسلمان امریکائی به شکل بنیادی خائن تعریف می شود. سرانجام، او اصطلاح «نظریه توطئه خاورمیانه‌ئی» را نیز اختراع کرد. عرب ها نمی خواهند بپذیرند که قادر به حل مسایل شان نیستند و تصور می کنند که قربانی توطئه غربی ها شده اند (۱۸).

در سال ۲۰۰۲، دانیل پایپیز در تمام رادیو و تلویزیون ها حضور داشت و علیه «دروغ های بزرگ» (کتاب تی بیری میسان که تعبیر رسمی حمله تروریستی ۱۱ سپتمبر را زیر علامت سؤال می برد) تبلیغ می کرد. «دروغ های بزرگ» کتابی است درباره سوء قصد ۱۱ سپتمبر و تعبیر رژیم که در پی آن در ایالات متحده روی داد (۱۹). از آنجایی که هیچ دلیل و برهانی برای رد نظریه ارائه شده در این کتاب را نداشت و علاوه بر این تصور می کرد که نویسنده کتاب یک فرد عرب بوده، بر آن بود که در گفتارهایش چهره توطئه داز روشنفکران عربی را نشان دهد که در فرانسه مستقر شده اند. این داوری ارزشی در فرانسه توسط گیوم داسکیه Guillaume Dasquie و ژان گیسنل Jean Guisnel (20) و سپس دانیل لوکنت Daniel Lecomte (21) پی گیری شد.

در سال ۲۰۰۳ برای شرکت در یک برنامه بزرگ سیاسی عرب در شبکه الجزیره و برای بحث و جدل مستقیم با تی بیری میسان دعوت شده بود، ولی مجبور شد به این دعوت پاسخ نگوید زیرا در انتظار تأیید کنگره برای گزینشش در مؤسسه ایالات متحده برای صلح بود. به همین علت دستیارش جوناتان شانزر Jonathan Schanzer (22) را فرستاد که او نیز نتوانست دلیل و برهانی مطرح که دال بر بی اعتباری نظریات مطرح شده در «دروغ های بزرگ» باشد، ارائه دارد.

پایپیز در عین حال در فرانسه می تواند از گی میلییر Guy Millière برای ترجمه و نشر افکارش استفاده کند. گی میلییر نیز «آنچه را که بوش می خواهد» را با استفاده از مصاحبه با دانیل پایپیز و پل ولفوویتز Paul Wolfowitz و غیره می نویسد که از نوع مدیحه سرائی می باشد (۲۳).

اسلام هراسی نزد دانیل پایپیز را باید به عنوان یک عادت بیماری زا بدانیم. در سال ۱۹۹۹ طی مقاله ای که در The Forward منتشر شد، پایپیز می نویسد: «مسلمانانی که از امریکا و به ویژه از یهودیانی که در کشور زندگی می کنند متنفرند، به یمن دولت قانون مدار و سازشکاری جامعه ای کثرت گرا و لیبرال بیش از پیش پر جمعیت تر و قدرتمند تر شده اند». سوء قصد ۱۱ سپتمبر با جذب خوانندگان بیشتر موجب تقویت تحلیل های دانیل پایپیز می شود. به گفته خود او، همین رویداد باعث شد که او بتواند در سال ۲۰۰۲ کتاب «مبارز اسلام به امریکا دست یافت» Militant Islam Reaches America را در سال ۲۰۰۲ منتشر کند، یعنی کتابی که تا پیش از این رویداد «قابل انتشار نبود» و در مورد جمعیت مسلمان امریکا هشدار می دهد که در بطن خود افرادی را «پشتیبانی می کند که هدفشان ربودن هواپیما بوده» و «از ایالات متحده متنفرند و می خواهند این کشور را به کشوری اسلامی تبدیل کنند». جیم لوب Jim Lobe از اینتر پرس سرویس Inter-Press Service اعلام کرد که در طرح درخواست بودجه برای دانیل پایپیز موفق بوده است و او می تواند طرح خود را برای راه اندازی «مؤسسه اسلام پیشگام» که «می تواند دیدگاه میانه رو و مدافع امریکا» را به نام جامعه مسلمان گسترش دهد. به گفته او، اصول گرایان مسلمان «نازی»، «قاتلان پتانسیل» بوده و برای یهودی ها، مسیحی ها، زنان و هم جنس گرایان «خطر حقیقی» به حساب می آیند.

جنگ عراق تأیید نظریات دانیل پایپیز بود، زیرا از دیدگاه او «تنها شانس برای جایگزین ساختن عصبی ترین رژیم در جهان بود». از دوران سقوط رژیم صدام حسین، اندکی در این موضع گری تحول ایجاد کرده و می گوید: در واقع، عراق از این پس به «یک مرد قوی با روحیه دموکراتیک نیازمند است»، زیرا عراقی ها «در فضای فکری خاصی زندگی می کنند که متأثر نظریه توطئه است» و هنوز برای ایجاد یک دولت خودگردان مانند غربی ها آمادگی ندارند.

حتی امروز، در نیویورک سان New York Sun نام آن فردی را معرفی می کند که از دیدگاه او می تواند چنین نقشی را در عراق به عهده بگیرد. این فرد، بی آن که جای شگفتی داشته باشد، ژنرال قدیمی جاسم محمد صالح الدلیمی بوده و مزیت او در این نکته است که او در جنایات رژیم صدام حسین شرکت نداشته است و ایدئولوژی او نیز رادیکال نیست و از اعتبار اجتماعی نیز برخوردار است (۲۴).

-]۱ « [Neocon Man ,« par Eyal Press ,*The Nation* ۱۰ ,mai 2004.
-]۲ [Voir notre enquête « [Les marionnettistes de Washington](#) ,« par Thierry Meyssan ,*Réseau Voltaire* ۱۳ ,novembre 2002. Version portugaise : *Os senhores da guerra* ,Frenesi éd., 2002 .
-]۳ [Sur le général Lemnitzer, voir « [Opération Northwoods, quand l'état-major américain planifiait des attentats terroristes contre sa population](#) ,« par Thierry Meyssan ,*Réseau Voltaire* ۰ ,novembre 2001.
-]۴ [La revue française *Commentaires* de Raymond Aron et Jean-Claude Casanova est organiquement liée à *Commentary* .Cf « [La face cachée de la Fondation Saint-Simon](#) ,« par Denis Boneau ,*Voltaire* ۱۰ ,février 2004.
-]۵ [*The Balance of Tomorrow* ,par Robert Strausz-Hupé, Orbis, 1957.
-]۶ « [The Baghdad Alternative » , par Laurie Mylroie ,*Orbis* .۱۹۸۸ ,
-]۷ « [Back Iraq » , par Laurie Mylroie et Daniel Pipes ,*The New Republic* .۱۹۸۹ ,
-]۸ « [The Muslims are Coming ! The Muslims are Coming! ,« par Daniel Pipes ,*National Review* ۱۹ ,novembre 1990.
-]۹ « [Are Muslim Americans Victimized? ,« par Daniel Pipes ,*Commentary* ,novembre 2000.
-]۱۰ [Le Middle East Forum emploie les experts suivants : Ziad Abdelnour, Mitchell G. Bard, Patrick Clawson, Khalid Durán, John Eibner, Joseph Farah, Gary Gambill, Martin Kramer, William Kristol, Habib Malik, Daniel Mandel, Laurent Murawiec, Daniel Pipes, Michael Rubin, Robert Satloff, Jonathan Schanzer, Tashbih Sayyed et Meyrav Wurmser .
-]۱۱ « [Un Think Tank au service du Likoud » , par Joel Beinin ,*Le Monde diplomatique* , juillet 2003.
-]۱۲ « [Funding Anti-Americanism - Title VI and radicalism in Middle Eastern studies ,« par Justin Peck, Concord Bridge, octobre 2003.
-]۱۳ « [Forward 50 ,« *The Forward* ۱۴ ,novembre 2003.
-]۱۴ « [The Only 'Solution' (for Israel) is Military ,« par Daniel Pipes ,*New York Post* ۲۰ , février 2002.
-]۱۵ « [The US Institute of Peace Stumbles » par Daniel Pipes ,*The New York Sun* ۲۳ ,mars 2004.
-]۱۶ « [The New Antisemitism » par Daniel Pipes ,*Jewish Exponent* ۱۶ ,octobre 1997.
-]۱۷ [*Militant Islam Reaches America* par Daniel Pipes, W. W. Norton éd., 2003.

]١٨ [The Hidden Hand par Daniel Pipes, St Martin's Press éd., 1996, et Conspiracy ,Free Press éd., 1997.

]١٩ [L'Effroyable imposture ,par Thierry Meyssan, éd. Carnot, 2002 .

]٢٠ [L'Effroyable mensonge ,par Guillaume Dasquié et Jean Guisnel, éd. La Douverte, 2002 (ouvrage condamné pour diffamation par jugement de la XVIIe chambre correctionnelle du TGI de Paris.)

]٢١ » [Le 11 septembre n'a pas eu lieu », soirée *Théma* produite et animée par Daniel Lecomte, Arte, 2004.

]٢٢ [À l'issue d'une heure trente de débat, un sondage réalisé auprès d'un panel de téléspectateurs montra que ceux-ci étaient convaincus à 17% par M. Schanzer et à 83% par M. Meyssan. L'émission, qui fit un pic d'audience, avait été regardée par 70 millions de téléspectateurs.

]٢٣ [Ce que veut Bush par Guy Millière, La Martinière éd., 2003. Il a également publié *Qui a peur de l'Islam* ,?Michalon éd., 2004.

]٢٤ » [Is an Iraqi strongman emerging » par Daniel Pipes ,*New York Sun* ٣ ,mai 2004. Article repris le lendemain par le *Jerusalem Post*.

لینک متن اصلی در شبکه بین المللی ولتر :

<http://www.voltairenet.org/article13765.html>

Nouvel ordre mondial

Daniel Pipes, expert de la haine

مقالات مشابه در گاهنامه هنر و مبارزه

[ما می خواهیم جمهوری اسلامی ایران و داعش با یکدیگر بجنگند](#)